

مقالات

علل متحدنشدن دولت‌های شیعی آل بویه، فاطمیان و حمدانیان

محمد رضا کاظمی

دانشجوی دکتری تاریخ تشیع دانشگاه اصفهان

چکیده

دولت‌های شیعی حمدانیان، آل بویه و فاطمیان، نقشی مهم در تحولات سیاسی فرهنگی جهان اسلام داشته‌اند. قلمرو حکومتی حمدانیان، در موصل و حلب از شهرهای عراق و شام، آل بویه در فارس، ری، جبال و عراق و فاطمیان در مغرب و مصر بوده است. یکی از پرسش‌های مهم درباره این سه دولت شیعی آن است که چرا با وجود شیعی بودن آنها، در هیچ دوره زمانی به یک اتحاد منسجم دست نیافتند. فاطمیان مدعی ارتباط نسبی با اهل بیت پیامبر ﷺ بودند؛ اما دو دولت حمدانی و آل بویه به جای پذیرش خلافت فاطمیان، خلافت عباسیان را پذیرفته و مشروعیت خود را از آن‌ها می‌گرفتند. به نظر می‌رسد متحد نشدن آن‌ها به خاطر اختلافات سیاسی و مذهبی و به خصوص رقابت بر سر حکومت و نگرش آن‌ها به خلافت عباسی بوده باشد. این تحقیق سعی دارد با روش توصیفی تحلیلی، علل متحد نشدن دولت‌های شیعی حمدانی، آل بویه و فاطمیان را بررسی و تحلیل کند. واژگان کلیدی: آل بویه، فاطمیان، حمدانیان، اتحاد، تحولات سیاسی فرهنگی.

مقدمه

در قرن چهارم هجری دولت‌های آل بویه، حمدانیان و فاطمیان منشأ تحولات عظیمی در جهان اسلام شدند. دولت حمدانیان در موصل و حلب، دولت آل بویه در فارس، ری، جبال و عراق و فاطمیان در مغرب و مصر، باعث رشد و گسترش تشیع گردیده و آثار علمی زیادی در عرصه‌های مختلف علوم، به جا گذاشتند؛ لذا لازم است وضعیت هر کدام، از منظر ساختار سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و ارتباط آن‌ها با دیگر دولت‌ها را بررسی کنیم. از لحاظ اقتدار سیاسی، هر کدام از این دولت‌ها در موضع یکسانی قرار نداشته‌اند. دولت حمدانیان بیشتر تابع خلافت عباسی و آل بویه بغداد بوده و استقلال سیاسی کاملی نداشته است. دولت آل بویه از ابتدا دارای اقتدار و استقلال سیاسی لازم بود؛ به گونه‌ای که خلیفه عباسی در زمان حضور آن‌ها

در بغداد از خود هیچ‌گونه اقتداری نداشته است. فاطمیان نیز تا زمان مستنصر عباسی، حکومتی مستقل و قدرتمند داشته‌اند. با توجه به نقش آن‌ها در تحولات سیاسی فرهنگی اسلام، بررسی تعامل این سه دولت با یکدیگر ضروری است.

گستره جغرافیایی حکومت آل بویه

آل بویه فرزندان ابوشجاع بویی به نام‌های علی، حسن و احمد بودند که با درایتی که از خود نشان دادند در تحولات سیاسی زمان خود پیروز شدند و توانستند حکومت خود را در سه منطقه فارس، ولایت جبال و عراق مستقر کنند. علی ملقب به عمادالدوله بر منطقه فارس، حسن ملقب به رکن‌الدوله بر منطقه ری و ایالت جبال و احمد ملقب به معزالدوله بر منطقه عراق حکومت داشتند. هر سه این القاب را زمانی که احمد معزالدوله بر بغداد چیره شد، المستکفی بالله خلیفه عباسی به آن‌ها داد (همدانی، بی‌تا: ۳۵۴). پس از آن‌ها حکومت به جانشینانشان رسید. حکومت آل بویه در زمان عضدالدوله دیلمی به نهایت اوج خود در زمینه‌های مختلف رسیده بود و پس از آن کم‌کم رو به افول نهاد (خضری، ۱۳۸۵، ج ۲: ۴۶).

ویژگی‌های سیاسی / فرهنگی حکومت آل بویه

۱. استقلال سیاسی یکی از مهم‌ترین ویژگی حکومت آل بویه است. آل بویه توانست یک حکومت مستقل در سه منطقه فارس، ایالت جبال و عراق ایجاد کند؛ بدون این‌که وابسته به قدرتی همانند خلیفه عباسی باشد. معزالدوله به محض تصرف بغداد، المستکفی خلیفه عباسی را خلع و به جای وی، المطیع را به خلافت رساند؛ به طوری که خلیفه عملاً دست حکمران بویه بود و در امور حکومتی هیچ نقشی نداشت (مسعودی، ۱۴۲۱، ج ۴: ۳۹۲).

۲. قلمرو جغرافیایی آل بویه مناطق وسیعی در ایران و عراق را شامل می‌شد. این خود نشان از قدرت بالای این حکومت دارد (خضری، ۱۳۸۵، ج ۲: ۳۲).

۳. گرایش مذهبی آن‌ها به تشیع زمینه را برای فعالیت علمای شیعه و احیای شعائر شیعه مهیا کرد. شعائر شیعه که در دوره‌های قبل با آن برخوردی شدید می‌شد، در این دوره احیا گردید. برای نمونه، مراسم سوگواری روز عاشورا به دستور احمد معزالدوله احیا شد و تا انقراض دولت آل بویه ادامه داشت. (خضری، ۱۳۸۵، ج ۲: ۵۷). در این روز بازارها تعطیل می‌شد و شیعیان به عزاداری مشغول می‌شدند (ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۱۴: ۱۵۵).

۴. رشد علمی از مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره است. ظهور دانشمندانی همچون شیخ صدوق و شیخ مفید و نوشته شدن کتب در زمینه‌های مختلف که در هیچ دوره‌ای به این اندازه رشد و پویایی علمی وجود نداشته است (فدایی، ۱۳۸۳: ۷۸ تا ۸۸).

گستره جغرافیایی حکومت فاطمیان

فاطمیان که ابتدا یک تشکل فرقه‌ای بودند، توانستند به وسیله یکی از داعیان خود به نام حسین بن احمد بن زکریا ملقب به ابوعبدالله شیعی، حکومت فاطمیان را در مغرب تأسیس کنند (ناصری، ۱۳۷۹: ۶۰).

ویژگی‌های سیاسی /
فرهنگی حکومت آل بویه

ابوعبدالله تعلیمات اسماعیلیه را نزد ابن حوشب، یکی از داعیان اسماعیلی ین، فراگرفت و از طرف او مأمور شد در مغرب به تبلیغ مذهب اسماعیلی بپردازد (چلونگر، ۱۳۸۶: ۹۲). او توانست با کمک بربرهای کتامة، دولت دست‌نشانده عباسیان را از سر راه بردارد و با دعوت از عبیدالله مهدی زمینه را برای تشکیل حکومت فاطمیان در مغرب فراهم کند. سرانجام در سال ۲۹۷ ق عبیدالله مهدی رسماً دولت فاطمی را در شمال آفریقا تأسیس کرد (چلونگر، ۱۳۹۰: ۴۴). فاطمیان بعد از تسلط بر مغرب متوجه مصر شدند و قصد داشتند که مشرق اسلامی را به سرزمین خود ملحق کنند (ناصری، ۱۳۷۹: ۷۷). دو خلیفه اول فاطمی، عبیدالله و القائم، علی‌رغم تلاش برای تسلط بر مصر نتوانستند بر آن دست یابند (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ج ۸: ۸۴ تا ۱۱۳). سرانجام در زمان خلافت المعز در سال ۳۵۸ ق سپاه فاطمیان به فرماندهی جوهرسیسیلی، توانست بر مصر مسلط شود (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ج ۸: ۵۹۰). جوهرسیسیلی بعد از ورود به مصر به اقداماتی از جمله بنای شهر قاهره دست زد (مقریزی، بی‌تا، ج ۱: ۱۱۱).

ویژگی‌های دولت فاطمیان

۱. آن‌ها ابتدا نتوانستند در مغرب یک حکومت شیعی در بین طوایف مختلف بربر ساکن آنجا برقرار کنند و به نام عبیدالله مهدی در مساجد خطبه بخوانند (چلونگر، ۱۳۹۰: ۴۵). پس از سه دور خلافت در مغرب، سرانجام مصر نیز به دست فاطمیان افتاد و مرکز خلافت آنان شد (مقریزی، بی‌تا، ج ۱: ۱۱۱).
۲. داشتن شبکه تبلیغی بسیار گسترده تحت عنوان تشکیلات دعوت. تشکیلات دعوت ابتدا تمام تلاش خود را برای فراهم کردن مقدمات خلافت فاطمی انجام داد که می‌توان از نقش ابوعبدالله شیعی به عنوان داعی فاطمیان در مغرب و آماده کردن زمینه‌های حکومت عبیدالله مهدی یاد کرد. این تشکیلات پس از استقرار حکومت برای گسترش نفوذ فاطمیان در سرتاسر سرزمین‌های اسلامی تلاش کرد (چلونگر، ۱۳۹۰: ۱۵۳).
۳. حکومت فاطمیان بر اساس مذهب تشیع استقرار یافت. عبیدالله مهدی به محض این‌که به خلافت رسید، مقررات دینی بر اساس مذهب تشیع وضع کرد. او به فقها دستور داد که طبق فقه شیعه، فتوای بدهند و پس از نماز برای اهل بیت علیهم‌السلام دعا بکنند. او هم چنین در صدد برآمد عقاید شیعی را در جامعه مغرب گسترده کند (چلونگر، ۱۳۹۰: ۴۵).
۴. نشر علم و علم‌آموزی و ایجاد مراکز علمی مهم از دیگر خصوصیات دولت فاطمی بوده است. برای نمونه می‌توان به جامع الازهر که نقش مهمی در گسترش عقائد اسماعیلی داشت اشاره کرد. تعداد زیادی از علما و فقهای اسماعیلی و طلاب علوم دینی در مجالس درس الازهر شرکت می‌کردند (دفتری، ۱۳۸۶: ۲۰۲). دارالعلم فاطمیان در دوره الحاکم خلیفه فاطمی تأسیس شد و شباهت زیادی به بیت الحکمه مأمون عباسی داشت. دانشمندان در آن به بحث درباره علوم مختلف می‌پرداختند که گاه این مباحث در حضور خلیفه انجام می‌شده است (چلونگر، ۱۳۹۰: ۱۷۰).

مهم‌ترین ویژگی‌های
دولت فاطمیان

چون مملکت بر امیر مبارز الدین محمد قرار گرفت، بعد از تأمل برهان الدین وزارت بر خواجه واقع شد و پدر سعیدش خواجه کمال الدین ابوالمعالی به امیر المؤمنین عثمان بنسب ایشان الله عنه می‌رسید و هر دو به کمالات نفسانی و انواع مراحم بر رعایا متصف بودند. در زمانی که خواجه رشید وزارت کردند، جمعی که منصب قلم آوردند. مقدم همه ذکر شریف خواجه کمال الدین ابوالمعالی بود. بتوفیق الله تعالی به زیارت حرمین استسعاد یافت و در یزد بقاع خیر از مساجد و مدارس و خوانق و دار الشفا بنا فرمود. از مال حلال خود دانشمندان را اسباب رفاهیت مهیا کرد و در سنه ثمان و ثلاثین و سبع مایه وفات کرد تاریخ آل مظفر، ص ۴۶.

دولت حمدانیان

حمدانیان در دو منطقه حکومت می‌کردند: موصل که در شمال عراق قرار داشت و مرکز حکومت حمدانیان عراق بود و دیگری شمال شام به مرکزیت حلب. نسب حمدانیان به ابوالعباس حمدان می‌رسد که نقش ویژه‌ای در شهرت این خاندان داشته است (چلونگر، ۱۳۹۰: ۱۹۵).

ویژگی‌های حکومت حمدانیان

۱: حمدانیان در دو منطقه یکی در موصل (چلونگر، ۱۳۹۰: ۱۹۴) و دیگری در حلب حکومت می‌کردند (چلونگر، ۱۳۹۰: ۲۳۲).

۲: حکومت آن‌ها در شام، مورد توجه خلفا بوده است؛ زیرا حکومت آن‌ها به عنوان سدی در برابر توسعه طلبی امپراطوری روم بوده است. جنگ‌های متعدد سیف‌الدوله حمدانی با رومی‌ها شاهدهی براین مطلب است (ابن مسکویه، ۱۳۷۹، ج ۶: ۱۵۸).

علل سیاسی متحد نشدن سه دولت شیعی آل بویه، فاطمیان و حمدانیان

روابط سیاسی آل بویه و حمدانیان

روابط آل بویه با حمدانیان در دو دوره خلاصه می‌شود: دوره حکومت معزالدوله دیلمی و دوره حکومت عضدالدوله و جانشیان او. در دوره معزالدوله روابط بین آل بویه و حمدانیان خصمانه بود. در بعضی از مواقع بینشان صلح بوده است؛ ولی بیشتر، روابط خصمانه بوده است. در سال ۳۳۵ ق روابط آل بویه با حمدانیان تیره و تار شد و احمد معزالدوله در رأس سپاهی به حمدانیان موصل، یعنی ناصرالدوله، حمله کرد که در نهایت ناصرالدوله حمدانی تقاضای صلح نمود و صلح‌نامه‌ای بینشان منعقد شد (ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۱۴: ۵۳؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۸: ۴۶۶).

معزالدوله بار دیگر در سال ۳۴۷ ق به موصل حمله کرد و با قرار ارسال سالیانه دو میلیون درهم به بغداد بازگشت (ابن مسکویه، ۱۳۷۹، ج ۶: ۲۰۷؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۸: ۵۲۲). سال بعد ناصرالدوله به تعهد خود در پرداخت دومیلیون درهم عمل نکرد و معزالدوله برای چندمین بار بر ناصرالدوله تاخت و او را تا حلب عقب راند. با این همه، با تبادل نامه‌هایی میان سیف‌الدوله و معزالدوله در سال ۳۴۸ ق روابطشان به صلح انجامید (ابن مسکویه، ۱۳۷۹، ج ۶: ۲۱۴؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۸: ۵۲۷).

در سال ۳۵۳ ق معزالدوله برای آخرین بار با حمدانیان روبه‌رو شد که پس از جنگ‌های متعدد صلح‌نامه‌ای میان آنان منعقد شد که در مقابل پرداخت مبالغی در هر سال، مناطق تحت نفوذ ناصرالدوله به پسرش ابوتغلب واگذار گردد (ابن مسکویه، ۱۳۷۹، ج ۶: ۲۴۵ تا ۲۴۷؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۸: ۵۵۳ تا ۵۵۴). بختیار، جانشین معزالدوله، نیز روابطی دوگانه با جانشین ناصر ابوتغلب داشته است که گاهی دوستانه بوده و گاهی با دشمنان او روابط دوستی داشته است. یکی از علل دشمنی ناصرالدوله حمدانی با معزالدوله دیلمی بر سر برکناری المستکفی بالله خلیفه عباسی است که به دست معزالدوله برکنار گردید و باعث خشم ناصرالدوله شد (ابن خلدون، ۱۴۰۸، ج ۳: ۵۲۳). در زمان عضدالدوله نیز درگیری‌ها بین حمدانیان

مهم‌ترین ویژگی‌های
دولت حمدانیان

ادوار روابط
آل بویه با حمدانیان

وآل بویه ادامه داشت و نتیجه این درگیری‌ها تصرف قلعه‌های حمدانیان توسط عضدالدوله بوده است (ابن مسکویه، ۱۳۷۹، ج ۶: ۴۵۵). با توجه به این درگیری‌ها به نظر می‌رسد اتحاد بین این دو دولت شیعی هیچ‌گونه مفهومی نداشته است.

روابط سیاسی آل بویه و فاطمیان

فاطمیان بعد از ورود به مصر و استقرارشان در آنجا متوجه بویه‌یان شدند؛ زیرا بین هر دو طرف علائق شیعی وجود داشت. فاطمیان تصور می‌کردند که بویه‌یان خلافت آن‌ها که مظهر حکومت شیعی است را بر عباسیان ترجیح می‌دهند؛ اما ورق جوری دیگر رقم خورد. در سال ۳۵۹ ق جوهر سیسیلی، سردار فاطمی، به سوی شام حرکت کرد. شام در آن زمان در دست حمدانیان و قرمطیان بود. در سال ۳۶۰ ق عزالدوله بختیار سپاهی به کمک حمدانیان و قرمطیان فرستاد که نتیجه آن رویارویی دو دولت شیعی آل بویه و فاطمیان بود (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۸: ۶۱۵).

روابط سیاسی فاطمیان و حمدانیان

حمدانیان نخست تلاش نمودند فاطمیان را با خود همراه کنند و آمادگی خود را به جوهر سیسیلی در مصر اعلام کردند؛ اما زمانی که جوهر این مطلب را به اطلاع خلیفه فاطمی المعز رسانید او با این درخواست حمدانیان مخالفت کرد (سامر، ۱۳۸۸: ۱۷۱). در زمان ابوتغلب، جانشین ناصرالدوله حمدانی، روابط فاطمیان خصمانه شد تا جایی که ابوتغلب، حسن بن اعصم قرمطی را بر ضد فاطمیان یاری نمود. (سامر، ۱۳۸۸: ۱۷۲). در سال ۳۶۸ ق پس از درگیری عضدالدوله با حمدانیان در دمشق، حسین بن ناصرالدوله به مصر نزد فاطمیان رفت (سامر، ۱۳۸۸: ۱۷۲). یکی از نوادگان ناصرالدوله حمدانی به نام حسن که ملقب به ناصرالدوله بود در دوره مستنصر خلیفه فاطمی، به سال ۴۳۳ ق با لقب «ذوالمجدین ناصرالدوله» والی دمشق شد (سامر، ۱۳۸۸: ۱۷۳). به نظر می‌رسد، روابط حمدانیان با فاطمیان در بعضی از دوره‌ها خوب بوده است که این امر مقطعی بوده و نشان از روابط حسنه دوطرف ندارد، بلکه بیانگر آن است که برای رسیدن به خواسته‌های توسعه طلبانه آنان بوده است؛ به خصوص از جانب فاطمیان. در زمان سعیدالدوله که جانشین سعدالدوله حمدانی از شاخه حمدانیان حلب بود، خلیفه فاطمی العزیز، سپاهی به فرماندهی منجوتکین ترک به شام فرستاد. او توانست دمشق را تصرف کند و پس از آن به طرف حلب حرکت کرده، آن را محاصره کند. سعیدالدوله دست به دامن امپراطوری روم شد و چون ارتباط آن‌ها با رومی‌ها خوب بود، باسیل دوم امپراطور روم، به نمایندگی خود در انطاکیه دستور داد که سپاهی به کمک سعیدالدوله بفرستد. سپاه روم با سپاه فاطمی درگیر شدند و رومی‌ها شکست خورده، فرار کردند (چلونگر، ۱۳۹۰: ۲۵۹).

علل مذهبی متحد نشدن سه دولت شیعی آل بویه، فاطمیان و حمدانیان

حمدانیان از ابتدا شیعه امامی بوده‌اند و تشیع آن‌ها در دو شاخه موصل و حلب گزارش شده است. حمدانیان موصل بیشتر به منازعات سیاسی پرداختند و کمتر به گسترش تشیع پرداختند (چلونگر، ۱۳۹۰: ۲۹۲) و تشیع آن‌ها به نسبت فاطمیان از غلو کمتری برخوردار بوده است (سامر، ۱۳۸۸: ۱۷۲). شواهد مبنی بر شیعی

سفرنامه
حج یک صفحہ ای
از سال ۱۲۴۷ ق.
ابوالقاسم بن علی رضا شیرازی

مقدمه و تحلیل
در صفحه آغازین نسخه شماره
کتابخانه
۸۲۷۰
مجلس که حاوی
دورساله الفوائد العلماء بر
و حاشیه سلطان العلماء بر
معالم الاصول است، یک گزارش
یک صفحہ ای از سفر حج شخصی
آمده، که مالک این نسخه بوده
است. وی علاوه بر آن برخی از
اطلاعات شخصی به عراق و
تعداد و تاریخ سفرهایش در همان
نیز تاریخ ولادت سه فرزندش (دو
دختر و یک پسر) را هم در همان
صفحہ و صفحہ بعد آن آورده
است.

۷۲

بودن حمدانیان موصل عبارتند از: بنای عمارت آستانه سامرا که ناصرالدوله حمدانی در سال ۳۳۳ ق بر مرقد امام علی بن محمد علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام ساخت. ساخت قبه ای بر بارگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام به دستور ناصرالدوله حمدانی ساخت. مقبره عمرو بن حمق خزاعی به دست حمدانی ها که همگی از اقدامات حمدانی های موصل در جهت گسترش شعائر شیعی اثنی عشری بوده است (چلونگر، ۱۳۹۰: ۲۹۲).

حمدانیان حلب نسبت به حمدانیان موصل نقش بارزتری در گسترش تشیع داشته اند. شواهد شیعه امامی بودن آن ها عبارت است از: اقامه اذان با شعائر شیعی. گفته شده در سال ۳۴۷ ق به فرمان سیف الدوله حمدانی برای اولین بار در شهر حلب در اذان عبارت «محمد و علی خیر البشر» گفته شد (چلونگر، ۱۳۹۰: ۲۹۳). ضرب سکه به نام اهل بیت علیهم السلام. گفته شده به فرمان سیف الدوله سکه هایی ضرب شد که در یک طرف آن ها محمد رسول الله، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، فاطمه الزهرا، الحسن، الحسین، جبرئیل علیهم السلام و در طرف دیگر نام خلیفه عباسی، سیف الدوله، ناصرالدوله، ابوتغلب و ابوالکارم حک گردید (چلونگر، ۱۳۹۰: ۲۹۳). ساخت بارگاه مشهد الحسین علیه السلام یا مسجد النقطه (جایی است که سرمقدس امام حسین را از آنجا عبور دادند و قطره ای خون از سرمقدس امام بر سنگی ریخته شده است). سیف الدوله دستور می دهد در مکان این سنگ حجره و جامعی ساخته شود (چلونگر، ۱۳۹۰: ۲۹۳). علی رغم مذهب شیعه امامی داشتن حمدانیان، در هیچ دوره ای علاقه های شیعی سبب اتحاد با دیگر قبای شیعی فاطمی و آل بویه نگشت. زمانی که حمدانیان تلاش کردند به فاطمیان نزدیک شوند و از جوهر سیسلی خواستند که واسطه این ارتباط گردد، جوهر با خلیفه فاطمی المعز در این زمینه مکاتبه کرد و المعز در جواب جوهر نوشت: «بنی حمدان به سه چیز که گردش عالم بر آن است تظاهر می کنند و هیچ یک را ندارند: یکی دین است که از آن بی نصیب اند، دیگر گرم است که هیچ کدامشان در راه خدا بخشش نمی کنند، سوم شجاعت است که شجاعت ایشان برای دنیاست نه آخرت. پس از این که برایشان تکیه کنی بر حذر باش» (سامر، ۱۳۸۸: ۱۷۱ و ۱۷۲).

آل بویه بر مذهب تشیع بوده اند (خضری، ۱۳۸۴: ۱۹۴)؛ و منابع و مآخذ، بسیار به این موضوع پرداخته اند. شواهد زیادی مبنی بر شیعه بودن آن ها وجود دارد که عبارتند از: احیای شعائر شیعی از جمله مراسم عزاداری عاشورا در بغداد که به دستور معزالدوله از سال ۳۵۲ ق هر ساله انجام می گرفت و تا پایان حکومت آل بویه ادامه داشت (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۱۱: ۲۴۳). در روز عزاداری بازارها تعطیل می شد و شیعیان به صورت دسته جمعی به عزاداری می پرداختند (ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۱۴: ۱۵۰). برگزاری جشن و سرور در عید غدیر که به دستور معزالدوله انجام می گرفت (همان، ۱۴: ۱۵۱). از اقدامات دیگر معزالدوله در بغداد، نوشتن برخی از شعارهای شیعی بر سرمساجد بغداد بوده است. برای نمونه عبارت «لعن الله معاویه بن ابی سفیان و لعن من غصب فاطمه رضی الله عنها فدکا و من منع ان یدفن الحسن عند قبر جده و من نفی اباذر الغفاری و من اخرج العباس من الشوری» (خضری، ۱۳۸۵، ج ۲: ۶۷). این شواهد نشان می دهد که معزالدوله شیعه امامی بوده است. از دیگر شعائر شیعی، وارد کردن عبارت «اشهد ان علیا ولی الله» و «حی علی خیر العمل» در اذان است که تا پایان حکومت آل بویه ادامه داشته است (خضری، ۱۳۸۵، ج ۲: ۵۹). از دیگر مظاهر تشیع آل بویه، زیارت قبور ائمه اطهار علیهم السلام است. عزالدوله، عضدالدوله و جلال الدوله بارها به زیارت قبور ائمه علیهم السلام در عتبات رفتند (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۲۲: ۷۵؛ خضری، ۱۳۸۵، ج ۲: ۶۰). یکی دیگر از مظاهر تشیع آل بویه، داشتن وزرای شیعی همچون ابن عمید، صاحب بن عباد، مهلبی و ابن سینا است که این

این سفرنامه به رغم این که تنها در یک صفحه آمده، حاوی نکات جالبی است که در اینجا به برخی از مهم ترین آن ها اشاره می کنیم. چنان که اشاره شد وی نام خود و پدر و تاریخ سفرش را در این متن آورده است. پدرش ملا علی رضا و خودش ابوالقاسم و طبعاً از یک کتاب فقهی - اصولی می توان

مذهب آل بویه

حس زد. او محل زندگی خود را نوشته اما خامه سفر او که در پایان آمده شیراز است و بنابراین می توان او را شیرازی دانست. وی در این سفر با عیالش بوده است، چنان که در برخی از سفرهایش به عراق هم قید می کند که عیال را برده است. مسیر سفر حج است او چنان که

خود از نشانه‌های شیعی بودن آل بویه بوده است (فدایی، ۱۳۸۳: ۱۳۹). در زمینه نوع گرایش آل بویه به تشیع اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی گفته‌اند زیدی بودن آن‌ها به خاطر خاستگاهشان طبرستان و زیدی بودن اهالی آنجا، امری طبیعی بوده است (خضری، ۱۳۸۵، ج ۲: ۶۳). شیخ صدوق، عبد الجلیل قزوینی، ابن جوزی و ابن کثیر بر امامی بودن آن‌ها تصریح کرده‌اند (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰: ۲۴۱). به نظر می‌رسد نخستین حاکمان آن‌ها در ابتدا زیدی بوده‌اند (دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۶۴۰). ولی در نهایت امامی شده‌اند. امامی بودن معزالدوله، به خاطر اقداماتی که انجام داد، محرز بوده است. فاطمیان از معتقدان امامت اسماعیل بن جعفر بن علیه السلام بوده‌اند. بعد از مرگ اسماعیل، معتقد به امامت محمد بن اسماعیل شدند و به آن‌ها اسماعیلیه مبارکه گفته می‌شد. فاطمیان از نظر اعتقادی، به امامت امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام تا امامت امام صادق علیه السلام و بعد از امام صادق قائل به امامت محمد بن اسماعیل و جانشینان آن‌ها تا عبدالله بن یوسف بن عبدالمجید مشهور به العاضد که آخرین خلیفه فاطمی است اعتقاد داشتند (صابری، ۱۳۸۶: ۱۳۲). اندیشه‌های کلامی فاطمیان با اندیشه‌های کلامی امامیه اختلاف زیادی دارد که مهم‌ترین موارد آن عبارتند از: اعتقاد آن‌ها درباره خداوند در رابطه با نفی هرگونه صفات از خداوند حتی صفاتی مثل علم و اراده که باید از خداوند نفی گردد (صابری، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۴۷)؛ برخلاف امامیه که این صفات را به خداوند نسبت می‌دهند. اعتقاد آن‌ها درباره نظام آفرینش که خلقت آن نه از طریق فیض بلکه از طریق ابداع است (دفتری، ۱۳۸۶: ۲۷۷). اندیشه آن‌ها درباره نبوت که جهان را از لحاظ قدمت به هفت دوره تقسیم می‌کنند و در هر دوره یک پیامبرناطق قرار می‌دهند و برای هرناطق وصی قرار داده می‌شود که عبارتند از شیت، سام، اسماعیل، هارون، شمعون، صفا و علی علیه السلام که به ترتیب اوصیای آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم بوده‌اند. اسماعیلیان این اوصیا را صامت می‌نامند (دفتری، ۱۳۸۶: ۲۷۲؛ صابری، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۵۱). درباره شریعت و آیین حضرت اسماعیل معتقد هستند که شریعت اسماعیل برگرفته شده است از شریعت ظاهری و معنای باطنی آن (صابری، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۵۳) که بر تأویل‌گرایی آن تأکید می‌کنند. از آنچه گفته شد به نظر می‌رسد که از لحاظ اعتقادی در بعضی از مسائل، مثل بحث امامت هیچ‌گونه وجه اشتراکی بین فاطمیان از یک طرف و آل بویه و حمدانیان از طرف دیگر وجود ندارد و در نتیجه از لحاظ فرهنگی و اعتقادی، وجهی برای اتحاد آنان وجود نداشته است. در باب اتحاد بین دو دولت آل بویه و حمدانی، با توجه به انگیزه‌های مذهبی باید گفت که حمدانیان، به خصوص حمدانیان موصل، مسائل مذهبی را در امور سیاسی دخالت نمی‌دادند. شاید به نوعی این بحث درباره آل بویه هم صدق کند.

ارتباط حمدانیان و آل بویه با خلافت عباسی

یکی از علل مهم متحد نشدن حمدانیان و آل بویه با فاطمیان، ارتباط حمدانیان و آل بویه با خلیفه عباسی است. حمدانیان همواره تابع خلافت عباسی بودند و به عنوان بازوی خلیفه عباسی در سرکوب مخالفان خلافت عباسی از جمله قرمطیان و رومیان نقشی بسزا ایفا کردند (معزی، ۱۳۹۰: ۵۱). روابط میان حمدانیان با خلافت عباسی گاهی آن قدر صمیمانه بوده است که ناصرالدوله دختر خود را به عقد ولیعهد عباسی درآورد (ابن اثیر، ج ۷: ۱۷۶؛ معزی، ۱۳۹۰: ۵۱). حمدانیان هیچ‌گاه در صدد براندازی خلافت برنیامدند؛

گوید از دزفول و از بصره و شهرکی برابن اساس باید از راه خشکی از العرب، از راه نجد به مکه مشرف شده باشد. وی چنان که گفته همراه کاروان حجاج کرمانشاهان بوده و در مسیر ماندی بدویان مقیم در آن اراضی قرار گرفته است. در اینجا فقط نام یک همراهش را به نام آقا محمد صالح آورده اما از کلمه «و غیره» معلوم می‌شود که آشنایان دیگری هم همراهش بوده‌اند. تاریخ سفرا و که سال ۱۳۴۷ ق. است بر اساس اطلاعات ما، مسیر خشکی از همین راه نجد بوده که البته داشته است. این سختی‌ها هم داشته است. سبب شده تا وی و همراهانش راه بازگشت را از طریق دریا انتخاب کند. زمان حرکت آن‌ها ۲۹ شعبان و در فصل زمستان بوده و بدین ترتیب ماه رمضان، شوال و ذی قعدة را در مسیر گذرانده و شب هشتم ذی حجه که تقریباً آخرین فرصت بوده، به مکه رسیده‌اند. وی می‌گوید که در این بسیار مهم اختلاف نبوده و این با اعمال بوده است که اعمال آن‌ها با اعمال اهل سنت از نظر روز عرفة و عید و باقی ایام کاملاً منطبق بر هم باشد. وی تصریح می‌کند که اختلافی در این باره نبوده است. نویسنده بیستم ذی حجه راهی

ارتباط با عباسیان
و تأثیر آن در عدم
ارتباط با فاطمیان

شاید به خاطر اخبار مربوط به تعدی
اعراب باشد. در اینجا می گوید
یستم ذی حجه یعنی تنها هشت
روز پس از خاتمه اعمال راهی جده
شده و به ایران بازگشته است. او
می گوید که به خاطر
تعدی اعراب قبیله
شاید حرب راه دریا را
برای بازگشت انتخاب کرده اند.
نام این قبیله
را نتوانستیم بخوانیم، اما غالب
مشکلات از آن، قبیله حرب بوده
بازگشت از آن، قبیله حرب بوده
است که شباهت بسیار کمی به این
کلمه دارد.
وی بیستم ذی حجه از مکه
خارج شده و روز ۲۲ وارد جده شده
است. در آنجا سوار بغله ناصربن
علی جاسمی شده است. بغله نام
کشتی است و شخص صاحب
کشتی بنابه نامش می تواند از
ساکنان سواحل خلیج فارس باشد.
سه روز در جده مانده اند که
می شود ۲۵ ذی حجه و پس از آن
کشتی حرکت کرده شب عاشورا
یعنی پانزده روز بعد به بندر جدید
از بندر یمن رسیده اند. پنج روز در
جدیده مانده، سپس به سمت مخا
رفته اند و یک شب در راه بوده به آنجا
رسیده اند. روز ۱۷ محرم از مخا به
در مخایک حرکت کرده اند.
کشتی آن ها افتاده است که ناگوری برای
بدهای از جاشوهای [خدمه] کشتی
همراه برخی از حجاج از کشتی
به بندر رفته اند. در راه بازگشت با
گرفتار مشکل شده و «غریق آن بحر
زخا» شدند. در این وقت
ملاحان به

درحالی که آن ها شیعه امامی بودند و در اعتقادات شیعه تمام کسانی که خلافت را به دست گرفتند و خود را به خاندان پیامبر منتسب کردند به جز علی بن ابی طالب و امام حسن مجتبی علیه السلام غاصب خلافت محسوب می شوند (معزی، ۱۳۹۰: ۵۲). حمدانیان در روابط خودشان با سایر حکومتگران، تابع خلافت عباسی بوده اند و حتی در درگیری های خلافت عباسی به عنوان نیروی پشتیبان عمل می کردند. برای نمونه، به دستور خلیفه عباسی، حمدانیان در سال ۲۹۲ ق با بکر بن عبدالعزیز حاکم جبال وارد جنگ شدند (معزی، ۱۳۹۰: ۵۲). حسین بن حمدان در سال ۲۹۰ ق به دستور مکتفی خلیفه عباسی با حسین بن زکریه رهبر قرامطه شام وارد نبرد شد که در این نبرد قرامطه شکست خوردند و حسین بن زکریه دستگیر شده، به بغداد فرستاده شد (چلونگر، ۱۳۹۰: ۱۹۸).

آل بویه نیز با عباسیان ارتباط داشتند و مشروعیت حکومت خود را از خلفای عباسی می گرفتند. احمد معزالدوله بویی زمانی که بغداد را به تصرف درآورد، از طرف خلیفه مستکفی، خلعت دریافت کرد و خلیفه او را لقب معزالدوله داد؛ اگرچه بعد از مدتی او را خلع کرد و المطیع را جانشین وی ساخت (همدانی، ۱۴۱۲: ۳۵۵). امرای بویی هیچ گاه درصدد حذف مقام خلافت برنیامدند و هم چنان منصب خلافت را خلفای عباسی اداره می کردند. احمد معزالدوله اندیشه براندازی خلافت عباسی را در سر داشت تا یک حکومت شیعی برپا کند؛ ولی عواملی باعث شد که باقی بودن خلافت را بیشتر به مصلحت ببیند (همدانی، ۱۴۱۲: ۳۵۴ تا ۳۵۵). شاید او از اصل زیدی «مجاز بودن امامت مفضول با وجود فاضل» پیروی کرد و مصلحت را در این دید که حکومت عباسیان ادامه داشته باشد و تنها مشروعیت حکومت خود را از خلیفه ای بگیرد که هیچ گونه نقشی در امور ندارد (طقوش، ۱۳۸۷: ۲۷۴).

در مقابل، فاطمیان که خود را به حق خلیفه مسلمین می دانستند و نسل خود را به اهل بیت پیامبر علیه السلام می رساندند، با خلیفه عباسی که غاصب خلافت اهل بیت پیامبر علیه السلام بود دشمنی داشتند. هرکدام از این دو درصدد خدشه دار کردن طرف مقابل بوده است. یکی از حربیهایی که عباسیان برای بدنام کردن و بی اعتبار کردن فاطمیان انجام دادند، مخدوش کردن نسب فاطمیان از طریق تنظیم شهادت نامه بوده است؛ این شهادت نامه در ربیع الاول سال ۴۰۲ ق تنظیم شده است. در شهادت نامه آمده است: «این چیزی است که گواهان بر آن شهادت داده اند که معد بن اسماعیل حاکم مصر، همان معد بن اسماعیل عبدالرحمن بن سعید است و اینان به دیصان بن سعدالدین، بنیانگذار دیصانیه منسوبند. سعدالدین یاد شده به مغرب رفته و خود را عبیدالله می خواند و مهدی لقب می دهد. این سرکش حاکم بر مصر، یعنی «منصور» ملقب به حاکم، پسر نزار بن معد بن اسماعیل بن عبدالرحمن بن سعید است. پیشینیان ملعون وی همه نجس و پلید و دروغگو و خارج از دین هستند و هیچ نسی از میان فرزندان علی بن ابی طالب علیه السلام ... و این سرکش حاکم بر مصر و پیشینیانش همه کافر، فاسق، زندیق، ملحد و تارک احکام دین و سد راه اسلام هستند و به مذهب دوگانه پرستی و محوسیت اعتقاد دارند. اینان حدود الهی را تعطیل و نوامیس را هتک کرده اند.» (جوینی، ۱۳۷۶، ج ۳: ۱۷۵ و ۱۷۶).

به نظر می رسد رابطه دو دولت آل بویه و حمدانیان با خلافت عباسیان مانع از اتحاد این دو دولت با فاطمیان بوده که مدعی خلافت بر مسلمین بودند. یکی از دیگر دلائل متحد نشدن، رقابت دولت های حمدانیان، آل بویه و فاطمیان بر سر قدرت بوده است. تمایل شدید آن ها به قدرت و حکومت از عوامل

کمک آنان شناخته و به جز چهار نفر بقیه را نجات داده‌اند.

سهوم صفر، یعنی ۱۵ روز بعد از حرکت از مخا، به مسقط رسیده و آن سه روز فاصله مسقط یا بندر عباسی را طی کرده و اواخر صفر از راه لار مسافر ما هشتم ربيع الاول به لار رسیده و از آبادی لار و خرابی که به آن سرایت کرده سخن گفته است. سه روز در لار بوده‌اند. سپس به جهرم رفته شش روز آنجا توقف کرده‌اند. او می‌گوید وضع شیراز مغشوش بود و فرمانفرما هم به کرمان رفته بود.

مهم عدم اتحاد آن‌ها با یکدیگر است. آل بویه برقرای ارتباط با فاطمیان را به خاطر گسترش نفوذ آن‌ها در مناطق خلافت شرقی که خود عهده‌دار و متولی آن بودند، مخالف منافع خود می‌دانستند (چلونگر، ۱۳۹۰: ۷۶)؛ و این خود دلیل بر رقابت این دو بر سر حکومت و سرزمین بوده است. حمدانیان نیز همه قدرتشان را معطوف به تصاحب قدرت و سرزمین کرده‌اند و این نزاع بر سر قدرت نیز نابودشان کرد (چلونگر، ۱۳۹۰: ۲۳۰). رقابت‌های آن‌ها بر سر قدرت حتی بر روی منش مذهبی آن‌ها نیز تأثیر گذاشته است. در نقلی آمده است: صیمری یکی از وزیران معزالدوله دیلمی خطاب به معزالدوله گفت: اگر سیدی که لایق امامت باشد، متصدی خلافت گردد، مطاوعت او نمایی یا مخالفت کنی؟ معزالدوله در جواب گفت: تا آنجا که بتوانم، برای رضایت خاطر او بکوشم. وزیر گفت: اگر به تو گوید که دست از حکومت کوتاه کن و به اسم امارت، قانع باش، قبول می‌فرمایی یا نه؟ معزالدوله گفت: اگر نفس با من مسامحت نماید از سر پادشاهی بگذرم والا عصیان ورزیده، به دوزخ روم (همدانی، ۱۹۶۱: ۳۵۴).

نتیجه‌گیری

دولت‌های شیعی آل بویه، حمدانیان و فاطمیان از مهمترین دولت‌های تأثیرگذار جهان اسلام بوده‌اند. این سه دولت به رشد و گسترش تشیع کمک‌های شایانی کرده‌اند. با وجود شیعی بودن آنها، هیچ‌گاه با یکدیگر متحد نشدند. از مهم‌ترین عوامل متحد نشدنشان می‌توان به اختلافات و رقابت‌های سیاسی، اختلافات مذهبی، رقابت بر سر قدرت و دیدگاه آن‌ها درباره خلافت عباسی اشاره کرد. خصومت‌های سیاسی حمدانیان با آل بویه منجر به بروز جنگ‌های متعدد شد و علت آن پایبند نبودن حمدانیان به تعهداتشان در قبال آل بویه بوده است. آل بویه، فاطمیان و حمدانیان به خاطر وجود اختلافات سیاسی / مذهبی هرگز به یک اتحاد سیاسی دست نیافتند. اختلافات مذهبی آل بویه و حمدانیان با فاطمیان به خاطر شیعه امامی بودن آل بویه و حمدانیان و اسماعیلی بودن فاطمیان بوده است. رقابت‌های آن‌ها بر سر قدرت و حکومت باعث شد آن‌ها نتوانند به یک اتحاد سیاسی دست یابند. تعامل آل بویه و حمدانیان با خلفای عباسی در حالی است که فاطمیان، دشمنان سرسخت خلافت عباسی بوده‌اند. این نگاه متفاوت آن‌ها به خلافت عباسی با توجه به این‌که هر سه دولت، شیعی هستند باعث متحد نشدن آن‌ها شده است.

منابع

- ابن جوزی، عبدالرحمان، ۱۴۱۲ق، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، به تحقیق عبدالقادر عطاء، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن اثیر، عزالدین علی، ۱۳۸۵ق، الکامل فی التاریخ، بیروت، دارالصادر.
- ابن اثیر، عزالدین علی، الکامل فی التاریخ، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران.
- ابن مسکویه، ۱۳۷۹ش، تجارب الامم، به تحقیق ابوالقاسم امامی، تهران: سروش.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۰۸ق، تاریخ ابن خلدون، به تحقیق خلیل شحاده، بیروت: دارالفکر.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۱۴۰۷ق، البدایه و النهایه، بیروت: دارالفکر.
- پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰ش، تاریخ تشیع، قم.

کرمان ترتیب سفر هشت ماهه او به بدین رسیده است. نویسنده در همان صفحه، فهرستی از سفرهای خود را به عراق یاد کرده است: اما پیش از آن تاریخ ازدواج خود را که ۱۲ جمادی الاول سال ۱۲۳۴ بوده نوشته است. این سفرها در مهر و موم‌های ۱۲۳۳، ۱۲۳۴ و ۱۲۳۵ ق بوده است. در سفر سال ۱۲۳۴ و ۱۲۳۵ ق از تاریخ عیال وی نیز همراهش بوده است. از تاریخ ایام زیارتی در عتبات سعی می‌کرده ایامی که یاد کرده عرفه، باشد. عایشورا و ماه رمضان ۱۲۴۱ و ۱۲۴۲ ق، عید نوروز هم در آنجا بوده است. در صفحه پشت این سفرنامه، تاریخ ولادت سه فرزندش خدیجه و علی و فاطمه را آورده که در مهر و موم‌های ۱۲۳۵ (دو سال پس از ازدواجش) و ۱۲۳۶ و ۱۲۴۴ به دنیا آمده‌اند. برای آن‌ها دعای صالح

وارد شیراز
و تثنی بود. فرمان
بود.



فرزندی نو ر چشمی
 خدیجه در شب بیست و
 نهم شهر صفر المظفر من شهر سنه
 ۱۲۳۵ بعد از طلوع فجر به یک ربع
 ساعت تقریباً متولد شد که جناب
 اقدس الهی او را از جمله صالحات و
 معمرات گرداند به محمد و آله.
 فرزندی نورچشمی
 علی مکی به ابی
 الحسن در شب شعبان المعظم
 سیزدهم شهر ساعت تقریباً از شب
 سنه ۱۲۳۶ دو ساعت جناب اقدس الهی
 گذشته متولد شد. صلحا و معمرین.
 او را از جمله علما و آله الطاهیرین.
 گرداند به محمد و آله فاطمه ملقب
 فرزندی نورچشمی و هشتم شهر
 به زهر در شب بیست و دو ساعت
 صفر سنه ۱۲۴۰ تقریباً تولد یافت.
 از شب مزبور گذشته تولد یافت.
 جناب اقدس الهی او را از جمله
 صالحات و معمرات گرداند.

رسول جعفریان

